

# نویسنده

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم - شماره ۴۸ - یکشنبه ۹ مهر ۱۳۵۷

## تهنیت هیئت تحریریه نوید به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی هشتمین سال فعالیت حزب بوی بهاری را که مرده داده بودید، می شنویم

سر بیرون آورده اند، تمامی هم و غم غسبو در  
معلوف به تاخت و تاز به مبارزان توده ای و  
آرمان های علمی و پرولتری آنها و تحریف  
تخریب جهان بینی دوران ساز مارکسیسم-لنینیسم  
که قطب نما و چراغ راهنمای حزب ما ست کرده اند  
وازر غیظ و کینه هر روز جبهه تازه ای درستیما  
و کین جویی با حزب طراز نوین کارگری می کشند  
می کشند. اما علی رغم همه این معرکه گیری  
های ریاکارانه، از جوانب دیگر: از جانب  
توده های وسیع مبارزان بی گمراه آزادی و  
عدالت، از جانب طبقه رزمنده کارگران با  
مقاومت و رزم و بیورش خود استخوان های سلطنت  
مطلقه را خرد می کند، هر روز هر لحظه جانیست  
و استقلال و شوربختی متوجه ما می گردد، دست  
های جدیدی به سوی ما دراز می شود مبارزان و دلیران  
تازه ای، نیرو و زندگی خود را وقف باروری سر  
سزی آرمان ها و آرزوهای سوسیالیستی و مردمی  
حزب ما می کنند. هم آن جنگ و دندان نشان دادن ها  
شایعه و کذب و سانسور و ریاکاری ها و هم این  
تاخیر و وسع خلقی و پرولتری، گواه زنده بو  
حزب ما، رشد توفیق نا بدیر آن، حقانیت بیگوار  
خطر روزافزونی است که در وجود آن سنگرها رخسار  
و اختناق و استعمار را بدهد می کند.

این واقعیتی است که در میان این همه مدعیان  
رنگارنگ و برهمنامی مارکسیسم و سوسیالیسم  
علمی، تنها تنها حزب توده ایران است که در  
دستاورترین جو پلیسی و در محوچه سردی ماسی  
که در آن امکان مرگ و شکنجه و زندان و تعقیب

سی و هشتمین سال فعالیت حزب توده ایران  
در شرایطی آغاز می شود که گردبادهای انقلاب  
کاخ استبداد سلطنتی را از سطح زمین می لرزاند و  
حشش توده ای را اوست و شکوفه های خیره کننده ای  
راه مقدس خود را از زمان ساران گلونه، در پیای  
خون و جفا های احتیاج و توحش و سرسبزیه بازمی کشد  
و ظفر مندا نه پیش می رود. تبارن زاد و زحمت  
توده ای ما از اوچ گیری مرحله نوین مبارزات  
خلق، مجال مناسبی است تا با دروهای تشیخ و  
گل های سرخ شهیدیت که نثار شما می کنیم، در فراز  
و فرودهای سالمان بر تلاش اخیر حزب و توده ها  
و تحریکات گرانگاری که در این مسیر برای طبقه  
کارگران ایران و جیش عمومی مردم به بار آمده، مرور  
و مکتب کوتاهی کنیم و اسامیان راه پیروزی بی  
تردید، با سکه بر این دست آوردها، صیقل و جلا  
دهیم.

ما سکه بر سر چهارراه حادثه خیزی رسیده ایم  
که از هر یک از راههای آن توفانی از تهمت و کینه  
و دسیسه و اسرارناحسین و امید و توحش بر سرمان  
می بارد. از یک سو دانه تبلیغات مکتوب و غیر مکتوب  
شاه و شرکا، علیه حزب توده ای ما حثان انتشار  
کنند و خنما کنی شده که از حله هیات دولت تا  
پارلمان فرمائی، از رادیو و تلویزیون های  
دولتی تا روزنامه های زیر سایه و سانسور، از  
سازگان های ارتشی تا کارگاه های شایعه سازی  
و دروغ و لجن پراکنی ساواک سخت به آن مشغول  
شده اند - و ارسوی دیگر گروهک های انقلابی نما،  
دارودسته های مائوئیستی، شبه فاشیستی، احزاب  
خلق الساعه ای که بشکه از آسین سیا و ساواک

## درو به کارگران پیکارجوی صنایع نفت

کرده است. رژیم کوشیده است با اعزام سربازان  
و افرادی ارتش از شهرهای خوزستان به کارکن  
جای کارگران امتحاسی را بر کند، اما به علت  
عدم آشنایی نظامی آن اعزامی با کارهای فنی  
مربوطه، با رگبری نفت با کندی بسیار مسو رت  
می گردد.

اعتصاب پرشکوه، کم سابقه و سراسری دهها  
هزار کارگر و کارمند تا سیات نفت کشور در شرایطی  
خود می تصور می کرد با کودتای نظامی خونیست  
خود می تواند از میان زرات انقلابی مردم ایران جلو  
گیرد و جنبش عمومی خلق را سرکوب کند، با رگبری  
نشان می دهد که جنبش خلق با استفاده از شیوه های  
گوناگون مبارزه راه خود را به پیش می کشد و  
ایق آینه آن روشن و تابناک است به ویژه که  
طبقه کارگران ایران با کام های موزون و بیگمراه  
برای نیز قهرمانان در پیشا پیش این جنبش، پیکار  
گسترده ای را آغاز کرده است.

ما از همه کارگران ایران دعوت می کنیم  
به پشتیبانی فعال از مبارزات برادران امتحاسی  
خود در تا سیات نفت و دیگر واحدهای کار رشتا بندوب  
بیوستن به اعتصاب سراسری و ارتقا، خواست ها و  
تلاشهای آن، تشکیل طبقه ای خود را در مبارزه با رژیم  
سلطنت استبدادی و برای آزادی، استقلال و عدالت  
اجتماعی قوام و استحکام بیشتری بدهند. - غم ۴

به دنبال اعتصاب با شکوه بیش از ۳ هزار  
کارگرتا سیات نفت کشور در تهران، آبادان، اهواز  
گساران، آغا جاری و... روز دوم مهرماه  
کارمندان پالایشگاه نفت آبادان که در حدود ۳ هزار  
نفر هستند ضمن تسلیم مفاد خواست های صنفی خود  
در رئیس پالایشگاه، مهلت کوتاهی برای انجام  
خواست های خود تعیین کردند. کارمندان پالایشگاه  
تهدید کرده اند که در صورت عدم انجام این  
خواست ها دست به اعتصاب خواهند زد.

کارکنان سازمان تعالی و معارف نفت آبادان نیز  
مانند کارکنان سازمان تعالی و معارف صنعت نفت  
تهران، به عنوان اعتراضی دست از کار کشیده اند و  
خواست های خود را که با خواست های کارکنان تهران  
هماهنگی دارد اعلام داشته اند.

کارکنان پیکارگاه های آفریقا نیز در شهر  
اهواز نیز برای همبستگی با اعتصاب سراسری  
کارگران و کارمندان صنعت نفت دست از کار  
کشیده اند.

از روز ۵ مهرماه حدود ۵ هزار کارگرتا سیات  
مختلف صنعت نفت در خارگ نیز دست از کار  
کشیده اند. اعتصاب پر شور این کارگران، به  
ویژه در قسمت شرکت پان آمریکن که کار حمل و نقل  
و بارگیری کشتی های نفتکش را به عهده دارد، عملا  
کار مدورنفت خام از این جزیره را دچار اختلال

## مردم ایران توطئه علیه آیت الله خمینی را محکوم می کنند

شرایط تاریخی و دادن هزاران قربانی توانسته  
است " دستگاه استبداد " وابسته به بیگانه را در  
سراسر سقوط قرار دهد.

جبهه ملی و روحانیون مبارز و ترقی خواه  
ایران برای اعتراضی و ابراز انزجار نسبت به این  
اقدام دولت عراق که علیه مبارزات آزادیخواهان  
و استقلال طلبان مردم ایران متوجه است، روز  
یکشنبه نهم مهرماه ( امروز ) را اعتصاب عمومی  
اعلام کرده اند.

ما ضمن محکوم کردن این توطئه کثیف، که نه  
تنها متوجه آیت الله خمینی بلکه متوجه جنبش  
ملی و دموکراتیک مردم ایران است، پشتیبانی  
قاطع خود را از این اعتصاب عمومی اعتراضی اعلام  
می داریم و از همه کارگران و زحمتکاران شوروروست  
و دیگر اقشار ملی و دموکراتیک دعوت می کنیم که با  
پیوستن به این حرکت اعتراضی، در دردم شکستن  
این توطئه شرورانه و عدل ملی فعالیت مبارک  
نمایند.

جبهه ملی ایران، آیت الله شیرازی، جمعی  
از روحانیون تهران و نیز جمعیت موقدانان ایران  
هر یک طی اعلامیه ای اطلاع داده اند که از روز شنبه  
اول مهرماه منزل آیت الله خمینی، مرجع مبارز  
شیمان جهان و مرجع برجسته ملی و آزادخواه، در  
شهر نجف به محاصره ما موران دولت جمهوری  
عراق درآمده است به طوری که از هرگونه تماس با  
ایشان و نیز از هرگونه فعالیت مذهبی و سیاسی ایشان  
جلوگیری به عمل می آید. این اقدام شرورانه که  
به یک تشبیه بگ توطئه کثیف و پنهانی است که  
دست های رژیم فاسدی و فئودوکراتیک شاه در پس  
آن هویداست، به حق خشم و انزجار مردم مبارز  
ایران را برانگیخته است.

جبهه ملی ایران در اعلامیه خود به درستی خاطر  
نشان می سازد که " جمهوری عراق که از مدت ها  
قبل در حرکت های ضد مذهبی هنگام با حکومت  
استبدادی ایران عمل می کند در هنگامی که چنین  
اقدام بی شرمانه ای دست زده که ملت ما به  
دنبال سالها مبارزه بی امان در سخت ترین

## خبر بجای سرمقاله

به مناسبت اوچ گیری بی سابقه تظاهرات  
نبرد های اعماسی که جنبش دموکراتیک و  
انقلابی میهن ما را وارد مرحله نوینی کرده است و  
باتوجه به تانسور تندئی که رژیم در آن  
لحظت حماسی و حماسی بیرونی را بر سر  
حاکم کرده، هات تجربه نوید تصمیم گرفت  
این هفته با حذف سرمقاله، های بیشتری را  
برای انعکاس رویدادهای افتخار و اخبار مربوط  
به پیکار مردم دلیر میهنان تا منگند.  
ضمنا به خاطر تراکم بیش از پیش خبرها  
نوید این هفته به جای روزنامه، استانی  
بکنه منتشر شد تا امکان داشته باشد خبر  
های هرچه بیشتری را تا آخرین لحظه، مقد و ر  
منگس سازد.

## گزارشی از هیئت اعزامی نوید به طیس صدای مرگ شاه، پروری ویرانه های خونین طیس

سازماندگان زلزله طیس، آنها که خانه های  
خشت و گلی بر سرشان فرو ریخت و هزاران نفرشان را  
در قلب کویر ایران برای همیشه خاموش کرد، هنگام  
پازدیدن مایش شاه و همسرش از مناطق زلزله زده از  
آنها استقبال عبرت انگیزی کردند.

۳۸ ساعت قبل از بازدید شاه، چند هواپیما به  
طیس رسید. این هواپیما های ارتشی افراد گسار  
سلطنتی را با خود داشتند. کاردها طبق معمول همه  
جا را به دقت زیر و رو کردند و در تمام منطقه  
منتظر شدند. آنها حتی در میان خوابه های که تا  
چندی پیش خانه بودند و اکنون گور هزاران انسان  
شریف ایرانی هستند، و در گورستان های عمومی  
به پاسداری مشغول شدند در حالی که مسلسلها پیشان  
آماده شلیک بود. مدها زلزله زده بی نشان و گروه  
کثیری از مردم که برای کمک به زلزله زدگان رفته  
بودند، دیدند که پیش رویشان مدها چادر، آشپزخانه  
و توالیت صحرائی برای استقرار گاردی ها به سرعت  
آماده کرد. در حالی که در میان خوابه، به روستا  
های ویران شده حتی یک چادر نمانده بودند و گروهی  
از کسانی هم که به طیس آمده بودند چادرها اختیار  
نداشتند. آنجا هم که چادر بود، از آشپزخانه و  
توالیت صحرائی خبری نبود. زلزله زدگان خشمگین  
می دیدند که چگونه می شود امکان آنرا چندان  
فراهم کرد، در حالی که اولین چادرهای دولتی بعد  
از آروز به منطقه زلزله زده رسیده بود. مردم  
می دیدند که همه گروه های دولتی برای نمایش  
آمده اند. کارها همه نمایش است گروهی از مقامات  
دولتی سرگرم چپا و لگمک های رسیده اند و سادر ا  
هم با خود به این منطقه مهیبت دیده آورده اند.  
آنان می دیدند که چند دستگی چطور نمایندگان را به  
جان می انداخته است همه می خواستند در شیس  
باشند، کسی به فکر مردم نبود.

دعوت مردم، روحانیون آزادی خواه،  
دانشجویان مردمی، پزشکان ترقی که دا و طلبانه  
آمده بودند، بقالی که از تهران آمده بودند و قاسمی  
که خودش را از زردرسانه بود، همگی عرق می ریختند،  
تلاش و فداکاری و همکاری می کردند به مردم - فقط  
به مردم - می اندیشیدند. مردم طیس، آنها که  
زنده مانده بودند و های رژیم را به چشم  
می دیدند، با کوشش و پوست استخوان لمس می کردند  
در چنین اوضاع و احوالی بود که شاه که به دنبال  
نمایش موع همسر خود بر روی ویرانه های خونین  
طیس، آمده بود تا مردم را بفریبد، به طیس وارد  
شد. محوطه ای که هواپیما شاه در آن بنشیند چند  
صد متر با چادرهای اندکی که برای زلزله زدگان  
برپا کرده اند فاصله داشت. کاردها پیش چادرها  
و هواپیما صف کشیده بودند و قیام به هیئت  
گفته نشده بود که شاه چه وقت خواهد آمد. فقط  
گروه اندکی از زلزله زدگان برای اجرای نمایش  
مشک به اصطلاح " طوفان شاهانه " به باند آورده  
شده بودند. شاه در حلقه سگان استیضی قرار  
گرفته و گاردی ها هم حلقه دیگری به درواز زده  
بودند. وقتی همه متوجه شدند شاه آمده است یکی  
از میان مردم از آیت الله خمینی نام برد و بقیه  
به بار طواعت فرستادند. این عمل چند بار تکرار  
شد. به دنبال آن مردم با خشم و غرورش صف ما موران  
را در هم شکستند و شاه را محاصره کردند. چهره های  
گرفته بودواز چشم ها شاره خشم می بارید و لیس  
نفر پیرمردی بود که به صدا درآمد:

با اعتصاب عموم به اساسی که در تمام نظام